



روشهای تدریس در کلاسهای چند پایه

(۴)

مدیریت آموزش و پرورش عشایر فارس

معاونت آموزشی

سال تحصیلی ۹۵-۹۴

شماره ۹

تلفیق محتوا محور : در تلفیق محتوا محور، قصد بر این است که بین چند ماده درسی (بطور مثال : زبان آموزی ، علوم تجربی، هنر و...) ویا چند حوزه ی محتوایی پیوند شکل گیرد . این نوع از تلفیق به شکستن مرز محتوایی بین دروس مختلف تاکید دارد.(۱) در این روش ارتباط برقرار کردن بین محتوای دروس، اصل بسیار مهمی است. تلفیق محتوا محور به شکل های مختلف صورت می گیرد. که به نظر می رسد یک شکل از آن ها یعنی تلفیق بین رشته ای در ابتدایی بخوبی صورت می گیرد. یعنی این که یک موضوع در درس های مختلف ویا بین چند ماده درسی پیوند زده شوند ویا ترکیب گردند. چنین تلفیقی چند رشته ی مجزا را در یک پروژه قرار می دهد. و مرز بین موضوعات درسی را قطع می کند. زیرا تا حدود قابل توجهی در ابتدایی بخش هایی از محتوای یک ماده ی درسی با بخش هایی از محتوای ماده ی درسی دیگر ارتباط موضوعی بسیار خوبی با هم دارند . به همین دلیل می توانیم ، همزمان مجموعه ی آن محتوا ها را در یک جلسه آموزش دهیم اما آن چه ما را بر آن داشت که رویکرد تلفیقی را پیشنهاد کنیم ، همسویی تلفیق با ویژگی کلاس چند پایه است . زیرا تلفیق محتوا در دروس چند پایه یا حتی دروس یک پایه از کلاس چند پایه، علاوه بر این که موجب بالا بردن سطح آموزش می شود، درمان کننده ی کمبود وقت آموزشی است. از طرفی تا حد امکان ، تجارب یادگیری دانش آموزان را از تفرق و پراکندگی خارج می کند . که این تجربه را در آموزش همان «یادگیری» می نامیم که بسیار ارزشمند است. ضمناً دانش آموزان کلاس چند پایه در زمان آموزش ، در ارتباط بیشتری با یکدیگر قرار می گیرند. (هم اکنون بیشتر اوقات در کلاس، پایه های مختلف ارتباط درسی ندارند . بلکه فقط در یک جا جمع شدند .) در حال حاضر تدریس هر ماده درسی در کلاس درس چند پایه ، مجزا و مستقل است . یک جلسه ی درس در جدول زمانی به یک ماده ی درسی اختصاص دارد .

جاکوبز (۱۹۸۹) به نقل از فیلسوف انگلیسی- لیونل الوین اظهار می دارد : در هر حال ویا همیشه ما با کل زندگی روبرو هستیم نه به قسمتی مجزا و منفرد. مثلاً وقتی در طبیعت وارد می شویم ، (۴۵) دقیقه از وقت را صرف تماشای بررسی گل ها و (۴۵) دقیقه ی وقت بعدی را به تما شای حیوانات صرف نمی کنیم . بلکه گل و حیوان با هم دیده می شوند . بطور مثال : کلاسی را در نظر بگیرید که قرار است ، معلمی در پایه ی پنجم ابتدایی علوم تجربی را تدریس کند. موضوع درس «نور و رنگ» است . برای آموزش این درس معلم همزمان از کتاب فارسی پایه ی پنجم استفاده می کند . متنی را تهیه می کند که زندگینامه ی متفکری مانند « نیوتن » است . در این متن به فعالیت های او درباره ی نور و رنگ اشاره شده است. ابتدا فراگیران با مطالعه ی متن با موضوع «نور و رنگ» آشنا می شوند. سپس در بخشی از تدریس خواسته می شود، ابتکارات ارائه شده ی این دانشمند علوم تجربی را که در متن آمده است ، با رسم نمودار نشان دهند (درک بیشتر مفهوم اندازه گیری یا همان ریاضی ، رسم کردن و رنگ آمیزی نمودار هم هنر است). این همان تلفیق محتوا در دروسهای یک پایه است . سه ماده ی درسی (فارسی، ریاضی و هنر) در یک جلسه آموزش داده شد . علاوه بر این که از تکرار آن ها در جلسه های دیگر جلوگیری می کند ، درک محتوا را به کمک درس های مختلف آسان و ملموس تر می کند و با زندگی او مرتبط می سازد . مواد درسی پایه های مختلف هم تا حدود نسبتاً زیادی به هم ارتباط دارند . در آموزش کودکان عموماً اهداف درسی مشترک هستند . و فقط در یک ماده ی درسی و در یک پایه ی تحصیلی، جا نمی گیرند. بلکه در همه دروسها و سال های تحصیلی مختلف ، باید به آن توجه شود . به همین دلیل از این موقعیت باید در کلاس چند پایه به خوبی سود برد . مثالی دیگر: در درس « ریاضی» پایه ی دوم ابتدایی ، آموزش شمارش چند تا چند تا (مفهوم ترتیب اعداد و پیش نیاز ضرب) را داریم . مانند : « ... و ۱۸-۱۵-۱۲-۹-۶-۳ » . در درس ریاضی پایه ی سوم ابتدایی ، مفهوم ضرب و ضرب اعداد آموزش داده می شود

درک این مفهوم در گرو شمارش چند تا چند تا و خصوصا" جمع دسته های مساوی برای ضرب عدد یک رقمی در یک رقمی است. مانند: $3 \times 6 = 3+3+3+3+3+3$. معلمی که در یک کلاس، دانش آموزان پایه ی دوم وسوم را دارد، با برنامه ریزی از قبل تعیین شده، این دو فعالیت را که بین آن ها از نظر مفهومی ارتباط مشترکی وجود دارد، همزمان در یک جلسه برای دوپایه آموزش می دهد. (ضرب در پایه سوم همان دیدن اشیا در دسته های مساوی است، که همان جمع پایه ی دوم است.) با برنامه ی فعلی در این دو نمونه، به شیوه ای عمل می شود که: مثلا" در پایه ی پنجم معلم درسه جلسه از برنامه ی یک روز را به آموزش این موضوع می پردازد. یک جلسه برای این که نور و رنگ چه قانونی دارد و چگونه دانشمندان به آن رسیدند. جلسه ای دیگر رسم و تفسیر نموداری است که فعالیت های مختلفی را روی آن نشان می دهد. و در نهایت در جلسه ی سوم به درک واژه های معنی دار با مطالعه ی متن درس پرداخته می شود. وقتی به این جمله ها توجه کنید به نظر می رسد، همه فعالیت ها، برای علوم تجربی است. حال آن که، خواندن متن و درک واژه ها از نظر معنی، زبان آموزی است. یا رسم نمودار و نشان دادن اطلاعات روی آن و تحلیل نمودار از مفاهیم درس ریاضی است. به چه دلیل در جلسه دیگر می خواهیم همین مطالب را با نام ریاضی و یا زبان آموزی تدریس کنیم؟ با داشتن چه وقتی؟ آیا این تکرار خود عاملی برای ایجاد خستگی نمی شود؟ آیا به جای تکرار فرصت نمی کنیم که به مطالب جدید بپردازیم؟ و یا مثلا" در پایه ی سوم وقتی در هنگام آموزش ریاضی، می خواهیم دانش آموزان، در مرحله ی مجسم، شش دسته ی سه تایی از اشیا مثل هم را جدا کنند، سپس می گوئیم: حالا جمع این دسته از اشیا را بگوئید یا بنویسید:

« $3 + 3 + 3 + 3 + 3 + 3 + 3 = 18$ ». در ادامه می گوئیم: حالا به همین اشیا در دسته های مساوی نگاه کنید.

آن ها را چندتا چند تا بشمارید و بگوئید. « $3 \times 6 = 18$ و $3 \times 9 = 27$ و $3 \times 12 = 36$ ». و یا وقتی می خواهیم، آن چه را می بینند بگویند. « شش دسته ی سه تایی » راستی چه تفاوتی با دوم دارد؟

وقتی به این فعالیت ها توجه کنید، به نظر می رسد، همه فعالیت ها را دانش آموز پایه ی دوم انجام می دهد. حال آن که، چنین فعالیت هایی از مفاهیم ضرب در درس ریاضی پایه ی سوم است. پس به چه دلیل پایه دوم باید منتظر بماند تا در جلسه ی دیگر عینا" بخواهیم همین مطالب را با همان نام ریاضی در پایه ی دوم تدریس کنیم؟ با کدام فرصت زمانی در چند پایه؟ برای چه هدفی؟ آیا انتظار کشیدن برای آموزش مطلبی که در دقایق قبل بیان شده بود، موجب بی میلی کودکان و حتی خستگی معلم نمی شود؟ حال آن که اگر آموزش را در دو پایه همزمان آغاز می کردیم، در بخش پایانی تدریس کاردرکلاس دوم، کاملا" تمام می شد. و در کلاس سوم، دو سه دقیقه ای را معلم به هدف خاصی می پرداخت. (البته در این درس تا پایان تدریس، هدف درس مشترک است.) به جای این که معلم جلسه ی تدریس را به دو وقت (۲۵) دقیقه ای تقسیم کند. و یا هر کدام از موضوع ها را در یک جلسه ی مستقل (۴۵) دقیقه ای تدریس کند. با این تلفیق درمجموع، در یک جلسه ی (۴۵) دقیقه ای کار (۹۰) دقیقه ای را انجام داد. و این حسن کار است اتفاقا" هنوز (۴۵) دقیقه وقت مناسب و مفید برای فعالیت های خود در دست دارد هم اکنون زمان بندی فعالیت های هفتگی آموزشی در ابتدایی، برای کلاس های تک پایه و عادی است. (دانش آموزان یک پایه تحصیلی در یک کلاس با یک معلم) عاقلانه عمل کردن در کلاس چند پایه این است که، هر جا فرصتی مناسب پیش آمد و می توانیم ارتباط محتوایی، برای مواد درسی مختلف

در چند پایه برقرار کنیم، باید اقدام نماییم. و برای یاد گیری بهتر و آسان تر آن رابه اجرا درآوریم. زیرا ممکن است برای همیشه درباره ی آن مفهوم فرصت را از دست بدهیم. عده ای از معلمان به اجرای این برنامه و اثر بخشی آن خیلی اطمینان ندارند. البته به دلیل اهمیت آموزش کودکان، این نگرانی طبیعی است. اتفاقا" باید نتیجه کار را رویکرد تلفیقی را به درستی ارائه نمود. جهت اطلاع بیشتر معلمان، به نقل از دفتر تالیف نتیجه ی یکی از تحقیقات آورده شد. « تحقیقات انجمن ملی برنامه درسی ۲۰۰۰ نشان می دهد، بدون استثنا دانش آموزانی که با هر نوع برنامه درسی تلفیقی آموزش دیده باشند، در مقایسه با آنهایی که تحت برنامه درسی مجزا تحصیل کردند عملکرد بهتری دارند. همچنین نمرات ارزیابی آنها در آزمون ها بالا تر از گروه گواه یعنی برنامه درسی غیر تلفیقی بوده است. »

استفاده از رویکرد تلفیقی چه مزیتی در کلاس چند پایه دارد؟

- معلم در یک جلسه ی آموزشی، از برنامه ی جدول زمانی هفتگی خود، موضوع و یا هدف مشترک در چند ماده ی درسی را همزمان در یک یا چند پایه تعیین می کند و آموزش می دهد. این کار کمبود زمان را به خوبی جبران می کند.
- در رویکرد تلفیقی، همه ی فراگیران در پایه های مختلف یک کلاس، در یک زمان به انجام فعالیت های خود واداشته می شوند. به طور مستقیم در همه ساعت یک جلسه، با معلم در ارتباط هستند. ادامه مطلب در بروشور شماره ۱۰